

نقش دین اسلام در همگرایی قوم بلوچ و تأثیر بر امنیت اجتماعی استان سیستان و بلوچستان

محمد چگینی^۱، ته‌میننه دانیالی^{۲*}، علی اصغر اسمعیل پور روشن^۳

- ۱- دانشجوی دکتری گروه جغرافیای سیاسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
- ۲- استادیار گروه جغرافیای روستایی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
- ۳- استادیار گروه جغرافیای سیاسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۲۱

چکیده:

استان سیستان و بلوچستان به‌عنوان یکی از راهبردی‌ترین استان‌های شرقی کشور، همواره باعث بروز رخداد‌های امنیتی فراوانی در گوشه و کنار این استان شده است در این میان قوم بلوچ، از اقوام دیرینه ایرانی است که عمدتاً دارای مذهب سنی هستند، از طرفی حاکمیت، بر مذهب شیعه به‌عنوان مذهب رسمی کشور تأکید دارد، از این رو یکی از راهکارهای دستیابی به شاخص‌های همگرایی، دین اسلام است. هدف از این تحقیق " تبیین نقش دین اسلام در همگرایی قوم بلوچ و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی استان سیستان و بلوچستان " بوده است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و از نظر روش تحلیلی توصیفی و جامعه آماری به‌صورت تمام شمار بوده و نتایج به‌دست آمده عبارت است از "دین اسلام به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه همگرایی قوم بلوچ از طریق، اصول دین مشترک بین شیعه و سن- اعتقاد به پیامبر مشترک- اعتقاد به قاعده نفی سبیل - اعیاد مشترک دینی و... در همگرایی قوم بلوچ تأثیر دارد.

کلیدواژه: دین اسلام؛ قوم بلوچ؛ امنیت اجتماعی؛ استان سیستان و بلوچستان؛

مقدمه:

ایران کشور چند قومی است و این امر باعث شده توجه به مسائل قومی همواره یکی از دغدغه‌های سیاست‌گذاران و مسئولان امر باشد. توجه به مسئله قوم و قومیت در چهارچوب‌های مختلف می‌تواند مدنظر قرار گیرد، عده‌ای از صاحب‌نظران به تنوع قومی به‌مثابه یک تهدید می‌نگرند و تعدادی آن را فرصت می‌دانند، از این‌رو همگرایی اقوام از دل این دیدگاه‌ها نمود پیدا می‌کند؛ اما فارغ از این‌که با چه دیدگاهی به تنوع قومیت‌ها نگریسته شود، موضوع قومیت به‌عنوان یک مؤلفه اجتماعی باید مدنظر قرار گیرد. استان سیستان و بلوچستان به‌عنوان یکی از راهبردی‌ترین استان‌های شرقی کشور، در منطقه بسیار حساسی قرار گرفته است. وجود مؤلفه‌های مختلف امنیتی در این استان در طول تاریخ پرفرازونشیب این استان، همواره باعث بروز رخداد‌های امنیتی فراوانی در گوشه و کنار این استان شده است و همواره این استان را با مقوله ناامنی مواجه کرده است. استان سیستان و بلوچستان همان‌طور که از نام آن مشخص است از دو قوم سیستانی و بلوچ تشکیل شده است، سیستانی‌ها در شمال این استان و بلوچ‌ها در قسمت‌های مرکزی و جنوب این استان مستقر هستند. این منطقه با ایالت بلوچستان در پاکستان و ناحیه بلوچ‌نشین افغانستان پیوند فضایی و جغرافیایی دارد (حافظ نیا، ۱۳۸۲: ۱۷۳) دیرینگی و قدمت بلوچستان به هزاره‌های قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد. در ریگ‌ودا از مردمی یاد می‌شود که در عصر مفرغ در بخش‌های شمالی بلوچستان زندگی می‌کرده‌اند و دارای تمدن بوده‌اند. بلوچ‌ها در قالب ده‌ها طایفه بزرگ و کوچک سازمان‌دهی شده‌اند. به‌گونه‌ای که شمار طایفه‌های بلوچ را ۱۵۰ طایفه کوچک و بزرگ ذکر کرده‌اند (ضرغامی - انصاری زاده، ۱۳۹۱: ۹۹) بلوچستان با وسعتی حدود صد و هفتاد و دو هزار و سیصد و پنج کیلومترمربع، بیش از نود درصد از مساحت کل استان سیستان و بلوچستان را تشکیل داده است و مهم‌ترین شهرهای آن عبارتند از زاهدان، چابهار، سراوان، خاش، نیک شهر، ایرانشهر و سرباز (باقری چوکامی، ۱۳۹۱: ۱۷). وجود این قوم به‌عنوان بخشی از تمدن بزرگ ایرانی، لزوم توجه به آن را ضروری می‌نماید. بررسی وضعیت اقوام می‌تواند در قالب‌های گوناگون و در تعامل با مؤلفه‌های مختلفی صورت پذیرد که در این تحقیق به تأثیر نقش دین اسلام در همگرایی قوم بلوچ و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی استان سیستان و بلوچستان پرداخته خواهد شد. به‌منظور دستیابی این مهم، منابع اسنادی و کتابخانه‌ای موردبررسی قرار گرفت که مؤلفه‌های به‌دست‌آمده عبارتند از: اصول دین (توحید، نبوت و معاد) مشترک بین شیعه و سن - اعتقاد به پیامبر و قبله مشترک - اعتقاد به قاعده نفی سبیل (نفی سلطه بیگانگان) - اعیاد مشترک دینی (فطر، مبعث، قربان و ...) در یک جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت، محقق به دنبال این مسئله بوده تا تأثیر دین اسلام در همگرایی قوم بلوچ و تأثیر آن را بر امنیت اجتماعی استان سیستان و بلوچستان موردبررسی قرار خواهد گرفت. تحقیق حاضر از نوع کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی است و از نظر شناخت، تفسیری و نیز تحلیلی، تحلیلی محتوی است و متکی بر دیدگاه خبرگان و برای انجام تحقیق، تعداد ۵۴ نفر از مسئولان و کارشناسان سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اقتصادی مستقر در قسمت بلوچستان استان سیستان و بلوچستان استفاده شده است؛ که به‌طور میانگین ۲۰ سال سابقه فعالیت و خدمت داشته است و چون جامعه آماری کمتر از ۱۰۰ نفر بوده حجم نمونه به‌صورت تمام شمار اقدام گردیده است. نمونه پژوهش با در نظر گرفتن متغیرهای

شغل، تحصیلات و میزان سابقه خدمت، میزان سابقه خدمت، میزان آشنایی با موضوع مورد مطالعه، انجام پذیرفته و برای انجام این تحقیق، جمع‌آوری اطلاعات به هر دو روش میدانی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است

پیشینه تحقیق:

الف) تاکنون در زمینه بررسی مسائل قومی و قبیله‌ای در سطح استان سیستان و بلوچستان آثار متعددی تهیه و تدوین شده است که از آن جمله می‌توان به برخی از متغیرهای موضوع تحقیق، اشاره نمود که عبارتند از:

عنوان رساله: "بررسی نقش توزیع جغرافیایی قومیت‌ها بر امنیت کشور با تأکید بر قومیت‌های شرق کشور" دانشجو روزا آذرکمند؛ به راهنمایی خانم دکتر پروانه عزیززی، رساله دکتری دانشگاه آزاد واحد گرمسار؛ ۱۳۹۰

نتیجه تحقیق: قوم بلوچ، قوم غالب منطقه شرق کشور است که دنباله قومی آن به خارج از کشور کشیده شده و به جهت مؤلفه‌هایی نظیر قومیت، مذهب و دوری از مرکز و ... کمتر در تحولات بزرگی که حداقل در سده اخیر کشور را متأثر ساخته است، نقش عمده‌ای ایفا کرده است. از این رو این قوم می‌تواند در امنیت کشور تأثیرگذار باشد.

عنوان رساله: "نقش قومیت‌ها در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی قوم بلوچ)" دانشجو احمد غلامی؛ به راهنمایی آقای دکتر زیباکلام؛ دانشگاه علم و صنعت ایران؛ ۱۳۸۹

نتیجه تحقیق: فقر و محرومیت نسبی مردم منطقه، دوری از مرکز، وجود آب‌وهوای خشن، مجاورت با کشورهای بی‌ثبات افغانستان و پاکستان، درگیری با تروریسم، معضل مواد مخدر، اندیشه‌های طالبانیسم، تحریکات منطقه‌ای اعمال شده از سوی بیگانگان، دخالت‌های خارجی در منطقه و ... باعث شده است که این منطقه از کشور به لحاظ امنیتی بسیار حائز اهمیت جلوه نماید و حضور قوم بلوچ ساکن در این منطقه بیش از پیش بر نقش این قوم در امنیت منطقه صحنه می‌گذارد. حضور اتباع افغان، معضل قاچاق مواد مخدر، مسائل مذهبی و دینی موجود در منطقه و ... از دیگر مواردی است که امنیت این منطقه از کشور را با چالش‌های جدی روبرو ساخته است

عنوان رساله: "تأثیر هویت‌های قومی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر قوم بلوچ" دانشجو محمدصادق مسعودی؛ به راهنمایی آقای دکتر عطارزاده، دانشگاه اصفهان ۱۳۹۰

نتیجه تحقیق: سه عامل دولت، نخبگان قومی و نظام بین‌المللی در طول تاریخ ایران دلیل برجستگی و یا فعال شدن هویت و شکاف قومی بوده است. دولت با اتخاذ الگوهای غیر منطبق با واقعیات قومی، نخبگان قومی نیز با پیگیری انگیزه‌های آرمان‌خواهی و یا با ماهیت ابزارگرایانه و محیط بین‌الملل از رهگذر تلاش جهت تحقق منافع خویش در قالب مسائل و مطالبات قومی به برجسته شدن مسئله قومیت دامن زده‌اند. نکته حائز اهمیت این است که هر سه عامل یادشده در فضا و بستر احساس محرومیت نسبی، نقش‌های کارکردی از خود به‌جای گذاشته‌اند.

عنوان مقاله: "تهدیدات امنیتی مانعی در تحقق توسعه پایدار مناطق مرزی (جنوب شرق)"

نویسنده: سپهر قربانی، نشریه جغرافیای نظامی امنیتی شماره ۶ سال ۱۳۹۹

نتیجه تحقیق: تهدیدهای امنیتی در منطقه جنوب کشور مانعی در تحقق توسعه پایدار آن به شمار می‌رود. بر این اساس، به‌صورت کلی می‌توان گفت شناخت این تهدیدها می‌تواند برای کاهش و مدیریت ناامنی‌های موجود در آن منطقه مرزی جنوب شرق کشور کارایی لازم را داشته باشد.

عنوان مقاله: "چالش‌های امنیتی سیستان و بلوچستان به دنبال حضور طالبان و داعش"

نویسنده: رضا سیمیر، نشریه جغرافیای نظامی امنیتی شماره ۶ سال ۱۳۹۹

روش تحقیق:

پژوهش حاضر از نوع نظری کاربردی و از نظر روش توصیفی-تحلیلی است و از نظر شناخت، تفسیری و نیز تحلیلی، تحلیلی محتوی است و متکی است بر دیدگاه خبرگان

جامعه آماری تحقیق:

مسئولان و کارشناسان سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اقتصادی مستقر در قسمت بلوچستان استان سیستان و بلوچستان که در حدود ۵۴ نفر تخمین زده شده است؛ که ۲۰ سال سابقه فعالیت داشته است و چون جامعه آماری کمتر از ۱۰۰ نفر بوده حجم نمونه به‌صورت تمام شمار اقدام گردیده است.

قلمرو تحقیق (زمانی، مکانی):

زمانی: ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۰

مکانی: استان سیستان و بلوچستان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

تجزیه و تحلیل داده‌ها پرسش‌نامه:

تأثیر دین اسلام در همگرایی قوم بلوچ بر امنیت اجتماعی استان سیستان و بلوچستان

توصیف داده:

با توجه به جدول و نمودار فوق، نتایج حاصله بیانگر این مطلب است که از تعداد ۵۴ نفر در پژوهش ۶۳ درصد گزینه خیلی زیاد و ۲۶ درصد گزینه زیاد و ۶ درصد گزینه متوسط و ۳ درصد گزینه کم و ۲ درصد گزینه خیلی کم را انتخاب نموده‌اند.

تفسیر داده:

شاخص	خ زیاد	زیاد	متوسط	کم	خ کم	میانگین
تأکید بر اصول دین مشترک بین شیعه و سنی به چه میزان بر همگرایی قوم بلوچ بر امنیت اجتماعی استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارد؟	۳۵	۱۴	۴	۱	۰	۵,۶۹
اعتقاد به قاعده نفی سبیل (نفی سلطه بیگانگان) به چه میزان بر همگرایی قوم بلوچ بر امنیت اجتماعی استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارد؟	۳۴	۱۲	۴	۳	۱	۴,۸۱
بهره‌گیری از مواضع و موازین قرآن کریم به چه میزان بر همگرایی قوم بلوچ بر امنیت اجتماعی استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارد؟	۳۶	۱۴	۳	۱	۰	۵,۸۱
گفتگو و تعامل در مسائل اختلافی بین شیعه و سنی به چه میزان بر همگرایی قوم بلوچ بر امنیت اجتماعی استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارد؟	۳۶	۱۵	۳	۰	۰	۵,۹۲
پرهیز از مبالغه در اعتقادات شیعه و سنی به چه میزان بر همگرایی قوم بلوچ بر امنیت و اجتماعی استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارد؟	۳۴	۱۱	۴	۳	۲	۴,۷۹
اعتقاد به پیامبر و قبله مشترک به چه میزان بر همگرایی قوم بلوچ بر امنیت اجتماعی استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارد؟	۳۷	۱۵	۲	۰	۰	۶,۲۵
احترام به مقدسات طرفین (شیعه و سنی) و پرهیز از کلمات حساسیت‌زا و نفرت‌انگیز و پرهیز از مبالغه در اعتقادات به چه میزان بر همگرایی قوم بلوچ بر امنیت اجتماعی استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارد؟	۳۴	۱۳	۴	۳	۰	۴,۹۳
یک‌صدایی و همگامی در مقابل دشمنان اسلام و نظام به چه میزان بر همگرایی قوم بلوچ بر امنیت اجتماعی استان سیستان و بلوچستان تأثیر دارد	۲۷	۱۷	۵	۱	۴	۴,۷۰
جمع کل	۲۷ ۳	۱۱۱	۲۹	۱۲	۷	

با عنایت به داده‌های فوق درصد بالای از شرکت‌کنندگان در پژوهش (۸۹) درصد معتقد، به ترتیب مؤلفه‌های اعتقاد به پیامبر و قبله مشترک، گفتگو و تعامل در مسائل اختلافی بین شیعه و سنی، بهره‌گیری از مواضع و موازین قرآن کریم، تأکید بر اصول دین مشترک بین شیعه و سنی، احترام به مقدسات طرفین (شیعه و سنی) و پرهیز از کلمات حساسیت‌زا و نفرت‌انگیز و پرهیز از مبالغه در اعتقادات، اعتقاد به قاعده نفی سبیل (نفی سلطه بیگانگان)، پرهیز از مبالغه در اعتقادات شیعه و سنی و یک‌صدایی و همگامی در مقابل دشمنان اسلام و نظام در مؤلفه دین اسلام در همگرایی قوم بلوچ بر امنیت سیاسی و اجتماعی استان سیستان و بلوچستان دارای تأثیر هست

چارچوب نظری

امنیت:

امنیت به معنای در امان بودن، ایمنی، آرامش و آسودای آمده است. ریشه فارسی آن کلمه "امن" به معنای بی بیم شدن، بی ترسی، اطمینان، آسایش، آرامش قلب و ضد خوف آمده است (عمید، ۱۳۷۵: ۲۳۴) نگرش به مقوله امنیت در قالب سنتی آن بر دو جنبه مهم استوار است: الف) تأکید پرجنبه نظامی دولت برای حفظ امنیت ب) اینکه تهدید به طور کلی از مرزهای خارجی ظهور می کند. این نگرش به امنیت و مخصوصاً تأکید بر قدرت نظامی برای حفظ امنیت تا سال ۱۹۹۰ مورد توجه اندیشمندان و متفکران قرار داشت. خصوصاً در دوران جنگ سرد بیشتر نوشته‌ها پیرامون موضوع امنیت تحت سیطره دیدگاه رئالیستی در مورد امنیت قرار داشت که بر دستیابی به منافع ملی و تأمین امنیت ملی از طریق نظامی تأکید داشت و بر دیگر جنبه‌های امنیت توجه خاصی نمی شد؛ اما از دهه ۱۹۹۰ و به طور خاص از سال ۱۹۹۳ این نگرش به مقوله امنیت بشدت مورد نقد قرار گرفت. در این دوران با ظهور مسائل جدید مانند ظهور فناوری‌های جدید ارتباطی، روند جهانی شدن، ظهور شرکت‌های فراملی، بروز مشکلات زیست‌محیطی، شکل‌گیری اتحادیه‌های بین‌المللی، بحران اتم و بسیاری مسائل دیگر امکان ایجاد امنیت از طریق سنتی مردود شمرده می شود و نظریات جدید بر ایجاد امنیت اجتماعی و امنیت بین‌المللی از طریق سازمان‌های بین‌المللی و اتحادیه‌های منطقه‌ای تأکید دارند. این نظریات برخلاف نظریات گذشته که فقط بر قدرت نظامی برای امنیت تأکید داشتند بر عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی امنیت نیز تأکید دارند. (جان بلیتس، ۱۳۸۳: ۵۷۹)

مفهوم امنیت ملی:

اصطلاح امنیت ملی را نخستین بار والتر لیپمن بکار برد. وی در تبیین این اصطلاح می گوید: «یک ملت وقتی امنیت دارد که مجبور نباشد منافع مشروع خویش را برای احتراز از جنگ، قربانی نماید و در صورت لزوم نیز قادر باشد این منافع را از طریق جنگ حفظ کند». لیپمن در این تعریف امنیت ملی را فرعی بر منافع ملی دانسته است؛ مفهومی که خود نیز مانند بسیاری دیگر از مفاهیم علوم سیاسی دچار پیچیدگی و ابهام است (رازانی، ۱۳۸۴: ۲۴)

همگرایی:

وضعیت بستگی اجزای یک جامعه از روی میل و رغبت و نه زور و فشار. روندی که از طریق آن، هر گروه اقلیت، خود را با اکثریت جامعه سازگار می سازد و از برابری حقوق و رفتار برخوردار می شود. (آقابخشی؛ افشاری راد، ۱۳۷۹: ۲۷۷)

قوم:

قوم در لغت به معنای گروه مردم، جماعتی از مردم، خویشاوندان می‌باشد. (عمید، ۱۳۷۵: ۹۸۴) ویکتور کوزلف، قوم‌شناس شهیر می‌گوید قوم، "یک سازمان اجتماعی شکل یافته‌ای است که در پهنه یک سرزمین معین قرار دارد و مردمی را که در طول تاریخ با هم پیوندهای اقتصادی، فرهنگی، خویشاوندی و اجتماعی برقرار کرده‌اند"، تحت پوشش قرار می‌دهد (دژخوی، ۱۳۸۰: ۱۵)

گروه قومی:

گروه قومی به مجموعه‌ای از درون یک جامعه بزرگ‌تر اطلاق می‌شود که دارای نیاکان مشترک واقعی یا فرضی، خاطراتی از یک گذشته مشترک و فرهنگی متمرکز بر یک یا چند عنصر نمادین تعریف شده به‌عنوان مظهر مردم بود، نشان می‌باشد (اصغری فرد، ۱۳۹۱: ۸۰)

امنیت اجتماعی:**

در تعریف امنیت اجتماعی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد از جمله: «مولار» خاطرنشان می‌سازد که امنیت اجتماعی زمانی مطرح می‌شود که جامعه تهدیدی در باب مؤلفه‌های هویتی خود احساس کند. «ویور» امنیت اجتماعی را توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی‌اش تحت شرایط تغییر و تهدیدات واقعی و محتمل تعریف می‌کند. امنیت اجتماعی از نظر «بوزان» به حفظ ویژگی‌هایی بازمی‌گردد که بر مبنای آن‌ها، افراد خود را عضو یک گروه اجتماعی می‌دانند. به بیان دیگر امنیت معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌گردد که هدایت گروهی او را سامان می‌بخشند. به این ترتیب «بوزان» امنیت اجتماعی را قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول می‌داند. (بوزان، ۱۹۹۸: ۴۲)

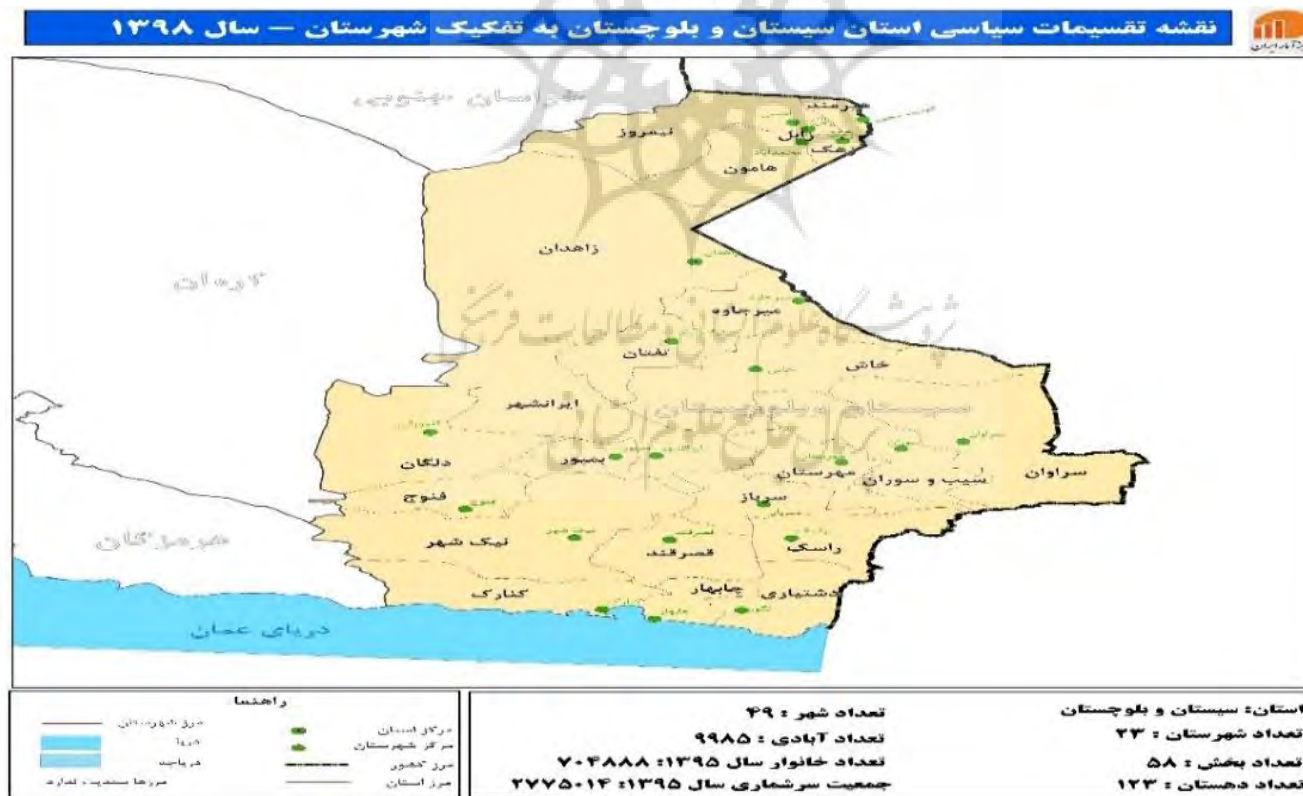
وهابیت:

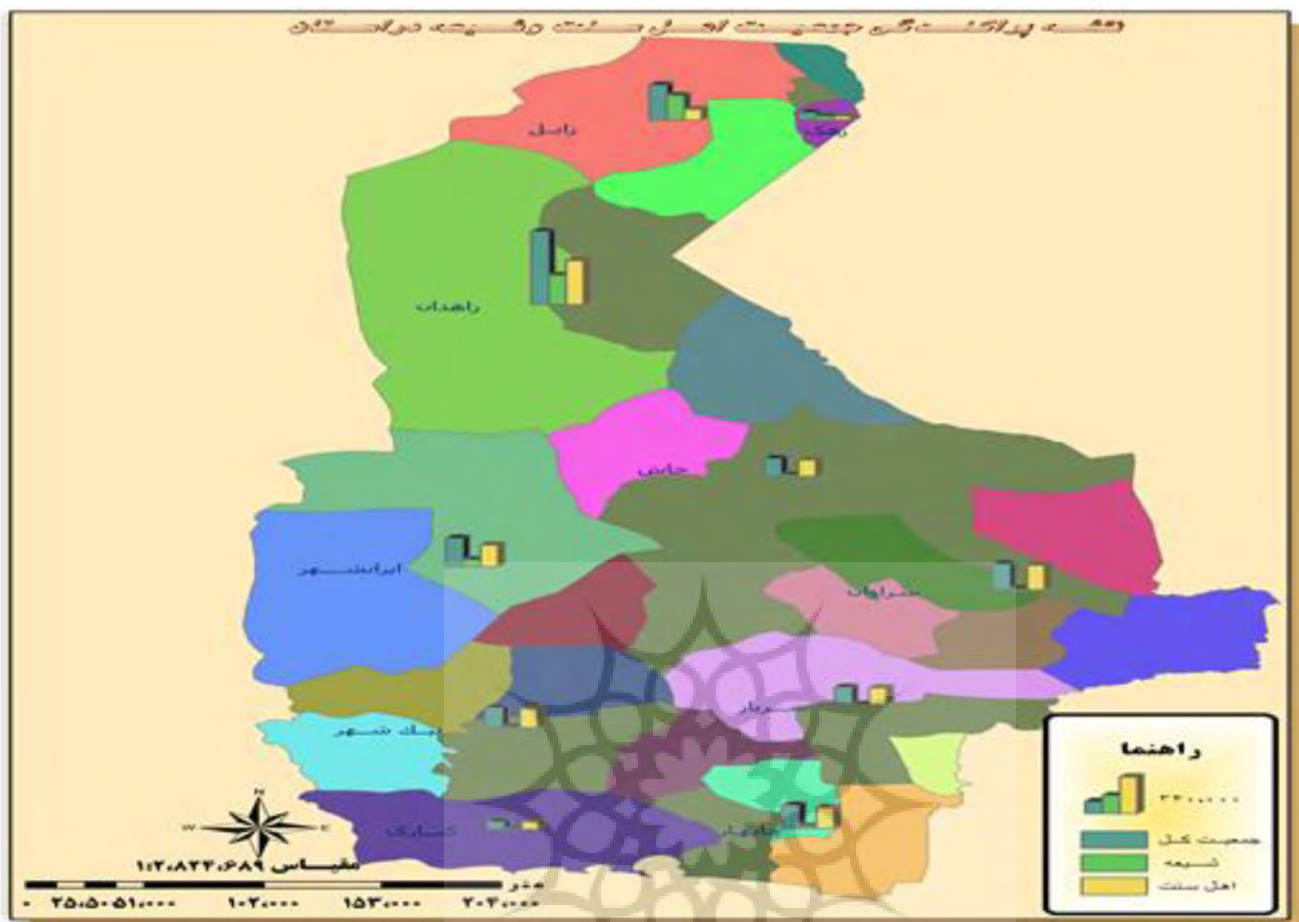
به گروهی از اهل تسنن گفته می‌شود که خود را از اهل سنت جدا کرده و ضمن اینکه تفکرات اهل سنت را قبول ندارند؛ دارای تفکر و ایدئولوژی بسیار خصمانه‌ای با شیعیان هستند تا جایی که قتل شیعیان را، باعث دست‌یابی به بهشت برین می‌دانند. وهابیت دارای دو ریشه اصلی آشکار و پنهان است. ریشه آشکارش این است که مدعی توحید کامل و خالص برای خدا و جنگ در مقابل شرک و بت پرستی است؛ اما از وجود این اصل هیچ مصداق عملی در کیش وهابیت یافت نمی‌شود. ریشه پنهان در وهابیت این است که این فرقه میان مسلمانان اختلاف می‌اندازد، آشوب و جنگ به پا می‌کنند و به استعمارگران غربی خدمت می‌نمایند. این اصل مخفی همان محور اصلی است که تمام کوشش وهابیت از آغاز تاکنون گرد آن می‌چرخد و همین است ریشه واقعی که اصل آشکار به‌منظور گمراه ساختن ساده‌لوحان و عامه مردم در اختیار آن قرار گرفته است. (روحانی، ۱۳۸۸: ۷)

موقعیت جغرافیای و ویژگی‌های استان:

این استان در جنوب شرق ایران واقع شده و طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۲۵۰۵۷۴۲ نفر جمعیت دارد. این استان از لحاظ قومی و مذهبی به دو قوم کلی فارس و بلوچ و از لحاظ مذهبی هم به دو مذهب شیعه و سنی (شاخه حنفی)، تقسیم می‌شود. جمعیت مسلمان این استان در سال، ۱۳۹۵، ۲۳۸۳۳۹۶ نفر و بقیه اقلیت‌هایی از مسیحی، زرتشتی و کلیمی و غیره تشکیل یافته‌اند. حدود ۱۶۴۶۹۵۰ نفر از جمعیت این استان را اهل تسنن تشکیل می‌دهند و بدین لحاظ دومین استان سنی نشین محسوب و دارای بیشترین درصد جمعیت اهل سنت هست. در سطح این استان به استثنای شهرستان زابل که اکثریت غالب جمعیت دارای مذهب شیعه بوده، سایر شهرستان‌ها دارای جمعیتی بالغ بر ۶۲ تا ۷۳ درصد آن اهل سنت می‌باشند. شیعیان بیشتر در قسمت شمالی استان در حوزه شهرستان‌های زاب، زهک و زاهدان می‌باشند.

بخشی از آن‌ها نیز در بخش‌های بزمان، دلگان و شهرستان پراکنده می‌باشند (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۸۵: ۲۰). روحانیون شیعه مذهب بیشتر در سیستان و مرکز استان و مولوی‌های سنی مذهب در بلوچستان و بعضی از نقاط مناطق سیستان مستقر هستند. مولوی‌های سنی و روحانیون شیعه تا اوایل انقلاب به مسائل اجتماعی و شرعی می‌پرداختند، ولی با توجه به نفوذ قاب توجهی که بین مردم و بیشتر روستائیان و طوایف اهل سنت پیدا کردند، امورات سیاسی و فعالیت‌های سیاسی را به فعالیت‌های خود افزوده‌اند، به ویژه مولوی‌هایی که تحصیلات خود را در پاکستان و یا هند به اتمام رسانده‌اند





(Rahmani,2016:28)

در سطح استان دو قوم عمدۀ وجود دارند که عبارتند از: فارس و بلوچ - قوم بلوچ که در جنوب و مرکز استان پراکنده‌اند، شامل شهرستان‌های خاش، سراوان، ایرانشهر، زاهدان، نیک شهر، چابهار می‌باشند. این قوم سنی مذهب (شاخه حنفی) بوده و به زبان بلوچی صحبت می‌کنند. قوم فارس: این قوم در شمال استان پراکنده هستند و دارای مذهب شیعه می‌باشند و تمرکز آن‌ها در سطح استان بیشتر در شهرستان زابل و زاهدان می‌باشد و گویش آن‌ها سیستانی و فارسی است (محرابی، ۱۳۷۵:۱۰). بر اساس آمار در بیش از ۲۵۶ طایفه گوناگون در استان گسترش یافته‌اند که بسیاری از آن‌ها با آداب و رسوم خاص دارای سازمان اجتماعی و هرم قدرت مشخصی می‌باشند و با پیروی از یکسری رفتارهای درون‌گروهی و برون‌گروهی در بسیاری از موارد در تقابل با قوانین قضایی و مصالح ملی نظام قرار می‌گیرند که در نتیجه موجب شکل‌گیری بسترهای ناامنی در استان می‌شود. از تعداد طوایف مذکور نزدیک به ۱۲۰ طایفه در منطقه سیستان (شهرستان‌های زاب، زهک، هیرمند و بخش‌هایی از زاهدان و بیش از ۱۳۶ طایفه در منطقه بلوچستان در شهرستان‌های زاهدان، خاش، سراوان، ایرانشهر، سوران، زابلی، دلگان، نیک شهر، کنارم، سرباز و چابهار پراکنده می‌باشند

(کریمی، ۱۳۷۱: ۱۶) مردم بلوچ به زبان بلوچی که شاخه‌ای از گروه زبان‌های ایرانی شمال غربی است سخن می‌گویند. بلوچ‌های افغانستان بیشتر از گروه بلوچ‌های رخشانی هستند، طایفه‌های عمده آن سنجرانی، نهوری، یمرزایی، سومرزایی، گومشه‌زایی، سربندی، میانگل، هروت و سالارزایی هستند؛ بلوچ‌ها در کرانه‌های دریای مکران و خلیج فارس و برخی از جزایر زندگی می‌کنند. (ستوده؛ مؤمنی، ۱۳۸۵: ۹۷)

بلوچستان متشکل از دو تکواژه «بلوچ» نام قوم و «ستان» نشان مکان به مفهوم جایگاه قوم بلوچ است. درباره اصل و نسب قوم بلوچ نظرات متفاوتی ابراز شده است؛ اما اکثر صاحب‌نظران بر این باورند که موطن اولیه این قوم محل کنونی ایشان نبوده است و آن‌ها بنا به مصالح و مناسبت‌هایی به این محل کوچ کرده‌اند. (حافظ نیا؛ کاویانی، ۱۳۸۵: ۲۷). از نظر مذهبی اقلیت بلوچ ایران، اهل سنت هستند و از این جهت نیز با بلوچ‌ها و قلمرو اهل سنت پاکستان و شبه‌قاره هند مجانست دارند؛ ولی با بخش مرکزی ایران متفاوت‌اند. از نظر ریشه‌ی زبان و لهجه، زبان بلوچی را همانند پشتو، تاجیکی و کردی عضو خانواده‌ی زبان‌های ایرانی می‌دانند؛ اما لهجه‌های بلوچی در مناطق بلوچ‌نشین ایران و پاکستان به مراتب به هم نزدیک‌ترند تا به زبان فارسی. بنابراین، بلوچستان ایران و پاکستان در سه متغیر مذهب، زبان و قومیت با یکدیگر تجانس دارند. (پیشگاهی فر، ۱۳۸۵: ۸). بر اساس آمار به‌دست‌آمده از درگاه مرکز آمار ایران، وضعیت کلی استان بر اساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۹۵ و سرشماری عمومی سال ۱۳۹۷ به شرح زیر است:

جدول: وضعیت کلی استان بر اساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۹۵ و سرشماری عمومی سال ۱۳۹۷

سرشماری عمومی سال ۱۳۹۸	تقسیمات کشوری سال ۹۵
جمعیت: ۲۵۳۴۳۲۷ نفر	مساحت: ۱۸۱۷۸۵/۲۸ کیلومتر مربع
متوسط رشد سالانه: ۱,۰۵ درصد	تعداد شهرستان: ۱۸
سهم از جمعیت کشور: ۳,۳۷ درصد	تعداد بخش: ۴۷
میزان شهرنشینی: ۴۹ درصد	تعداد دهستان: ۱۱۱
درصد باسوادی: ۷۱,۶ درصد	تعداد شهر: ۳۷
بعد خانوار: ۴,۳	تعداد آبادی دارای سکنه: ۶۵۵۳

(درگاه ملی آمار، ۱ تیرماه ۱۳۹۸: <http://www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=1706>)

قوم بلوچ و وضعیت اجتماعی:

الف) وضعیت اجتماعی:

از ویژگی‌های جمعیتی بلوچستان بافت قبیله‌ای آن است. طوایف و قبایل زیادی در بلوچستان شناسایی شده‌اند که تعداد آن را در کل استان ۷۷ طایفه می‌دانند. این طوایف بافت ویژه قبیله‌ای داشته و کمتر باهم ترکیب شده‌اند و از این نظر جامعه بسته‌ای را تشکیل داده‌اند.

تقسیمات درونی طایفه‌ها در قوم بلوچ به شکل زیر است:

- ۱- طایفه که به چند تیره تقسیم می‌شود؛ ۲- تیره که به چند هلك تقسیم می‌شود؛
- ۳- هلك که به چند خانوار تقسیم می‌شود؛ ۴- هر خانوار که به چندین خانواده تقسیم می‌شود؛
- تعداد تیره، هلك، خانوار و خانواده هر طایفه بستگی به بزرگی یا کوچگی آن داشته و از این منظر طایفه‌ها با یکدیگر برابر نیستند. (فرید، ۱۳۹۲: ۹۱). ساختار قبیله‌ای قوم بلوچ شدیداً سنتی و سلسله مراتبی بوده و هر قبیله توسط یک سردار که رئیس قبیله است، رهبری می‌شود. اطاعت‌پذیری افراد قبیله از سردار قبیله، نظم و نفوذ بالایی را برای رئیس قبیله به همراه می‌آورد. در نظام سرداری قبایل بلوچ سردارها یک مسئله فرهنگی - قومی به شمار می‌روند. (مقصودی، ۱۳۸۲: ۵۰) به‌طورکلی باید گفت که در رأس هرم طبقاتی در بلوچستان خان‌ها و سردارها قرار دارند که در گذشته از حکام منطقه محسوب می‌شده‌اند و بساط فرمانروایی و سلطه‌گری داشته‌اند. به نظر می‌رسد ماهیت ساختار قبیله‌ای و اجتماعی بلوچ‌ها در نحوه تعاملات آن‌ها با یکدیگر و با دولت مرکزی تأثیری زیادی بر جای می‌گذارد. (فرید، ۱۳۹۲: ۹۶). قشر دیگری که در ساختار اجتماعی قوم بلوچ به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی (با توجه به ذات ایدئولوژیک انقلاب) تأثیرگذار است، ملاها و مولوی‌ها هستند. ملا و مولوی نامی است که برای روحانیان اهل سنت در منطقه بلوچستان به‌کاربرده می‌شود. از بانفوذترین آن‌ها مولوی عبدالحمید (معروف به شیخ‌الاسلام) است که هم‌اکنون به‌عنوان امام‌جمعه شهر زاهدان و رئیس مسجد و حوزه علمیه مکی زاهدان مشغول فعالیت است. وجه مشترک زندگی اجتماعی بلوچ‌ها نظام ایلیاتی بوده است. در بلوچستان، یا همان اصل و نسب «ذات»، تعیین‌کننده پایگاه اجتماعی افراد و گروه‌هاست. به‌طورکلی هر فرد بلوچ از هنگام تولد، یک وابستگی ذهنی به ذاتی مشخص دارد و در نتیجه آن، هیچ‌گاه خود را تنها و بی‌کس احساس نمی‌کند. اساس شکل‌گیری ذات، خون مشترکی است که در رگ‌های افراد وابسته به آن جریان دارد که نتیجه آن تعصب طایفه‌ای است. دل‌بستگی و تعصب طایفه‌ای چنان در میان بلوچ‌ها عمیق است که خوش‌نامی و بدنامی، پیروزی و شکست، راستی و ناراستی فرد در امور گوناگون، پیش از آنکه برای او سبب سربلندی و سرافکندگی باشد در کارنامه خانوادگی ذات ثبت می‌شود. (جهان تیغ پاک، ۱۳۹۴: ۴۲). از آنجاکه فرهنگ حاکم بر مردم بومی منطقه در خصلت‌های عشیره‌ای و طایفه‌ای خلاصه می‌گردد، لذا به‌صورت اجمال ویژگی‌های برجسته اجتماعی مردم عبارتند از:
- الف) وابستگی شدید قومی و قبیله‌ای؛ ب) احترام وافر به سنت‌ها و آداب مذهبی؛
- ج) داشتن حس انتقام‌جویی؛ د) کم‌اهمیتی به زنان؛
- ه) ازدواج ناهمگون؛ و) تأثیر فرهنگ کشورهای هم‌جوار؛
- ز) روحیه مهمان‌نوازی؛ ح) روحیه مردانگی؛ (دولت‌آبادی، ۱۳۵۶: ۴۱)

بنیان‌های نظری تحقیق:

نظریه‌ی محرومیت نسبی:

محرومیت نسبی به‌صورت احساس بازبزرگان بر وجود داشتن اختلاف میان به نظر از انتظارات ارزشی خود و توانایی ارزشی محیط مشخص می‌شود (گر، ۲۰۱۳: ۲۵۲) به عقیده‌ی وی پیش‌شرط لازم برای ستیز خشونت‌بار مدنی، وجود محرومیت نسبی است. بنابراین، وقوع خشونت مدنی نشانه‌ی احتمال وجود محرومیت نسبی در میان تعداد چشم‌گیری

از افراد اجتماع است و نکته ملازم با حکم اخیر اینکه هرچه محرومیت نسبی شدیدتر باشد، احتمال شدت خشونت مدنی بیشتر خواهد بود. (تقوی نسب، ۱۳۸۸: ۱۱۷). تئوری محرومیت نسبی برای تشریح منشأ بحران‌ها و منازعات قوم پایه و جنگ‌های داخلی در مطالعات اجتماعی کاربرد زیادی دارد. «تد رابرت گر» که واضع نظریه محرومیت نسبی است نیز در این نظریه، این فرض را مطرح می‌کند که عامل تعیین‌کننده و قوی در وقوع منازعات خشونت‌آمیز در میان ملت یا گروه‌های اجتماعی کوچک‌تر، نارضایتی میان اعضای آن‌هاست. وی محرومیت نسبی را برداشت کنش‌گران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی ارزشی آن‌ها تعریف می‌کند. (عبدی، ۱۳۸۹: ۱۲۲)

نظریه "گوبوگلو":

بر اساس این نظریه، خشونت‌ها و درگیری‌های قومی در درون دسته‌بندی‌های اجتماعی و منافع اقتصادی اجتماعی قابل بررسی است. وی بیشترین توجه خود را به عناصر و عوام قومی در دسته‌بندی اجتماعی، تقسیمات کاری و طبقه‌بندی اجتماعی معطوف کرده است. این دیدگاه، پدیده‌ی غصب موقعیت‌ها و فرصت‌های ممتاز اجتماعی توسط اعضای یک گروه قومی و نژادی را به‌عنوان کشف عمده خود در نظر می‌گیرد که این تفاوت‌های اساسی اجتماعی، قومی و طبقاتی قوی‌ترین انگیزه را برای وقوع تنش‌های بین قومی و درگیری‌های آشکار قوی ایجاد می‌کند (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۱۲۷)

یافته‌های تحقیق:

دین اسلام به‌عنوان عامل همگرایی:

از نظر استاد مطهری، یکی از هدف‌های بزرگ اسلام، وحدت اسمی بلکه «بزرگ‌ترین هدف اسلام در امور عملی، وحدت و اتفاق مسلمانان است». آموزه‌های دین اعم از قرآن، احادیث نبوی و ائمه اطهار تأکید بر این دارند که وحدت اسلامی محفوظ بماند. از جمله آیه «و اعتصموا بحبل اللّٰه جمیعا و لا تفرّقوا» (قرآن کریم، آل عمران: آیه ۱۰۵) که باکمال صراحت به موضوع «باهم» بودن و باهم دستورهای الهی را اجرا کردن و پراکنده اجرا نکردن توجه کرده است. اندک توجهی به مفهوم آیه می‌رساند که عنایت این کتاب آسمانی به این است که مسلمانان متفرق و پراکنده نباشند. به تعبیر رهبر معظم انقلاب، همگرایی و انسجام اسلامی یعنی پیروان هر مذهبی از مذاهب اسلامی کاری نکنند که احساسات پیروان مذهب دیگر را بر ضد خود برانگیزانند. (رضوانی، ۱۳۸۷: ۱۰۴) همچنین آیه «أقیموا الدّین و لا تفرّقوا فیه کبر علی المشرکین ما تدعوهم إلیه» (قرآن کریم، شوری: آیه ۱۳) درصدد بیان این نکته است که چون مخالفان اسلام باهدف‌های اسلامی مخالف‌اند، آرزومند تفرق و پراکندگی آن‌ها می‌باشند و از وحدت مسلمانان می‌ترسند. لذا آتش‌های تفرقه و اختلاف را دامن می‌زنند و موانع در مسیر وحدت مسلمانان ایجاد می‌کنند. همچنین آیه «و لا تكونوا کالدّین تفرّقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البینات و أولئک لهم عذاب عظیم» (قرآن کریم، آل عمران: آیه ۱۰۵) تفرقات مذهبی یعنی فرقه شدن و به وجود آمدن مذاهب را رد کرده، زیرا این نوع اختلافات از هر نوع دیگر خطرناک‌تر است. (مطهری، ج ۲، ۱۳۷۷: ۲۰۶).

استاد مطهری معتقد است که قرآن همواره از طریق دعوت و ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر، بر حفظ وحدت تأکید می‌کند و اگر این اصل اساسی، یعنی اصل دعوت و ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر نابود شود، وحدت اسلامی و اتحاد مسلمانان نیز از میان می‌رود. (همان: ۲۰۷) استاد مطهری به نقل از اصول کافی حدیثی از امام صادق علیه السّلام

بیان می‌کند: معاویه بن وهب می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: ما (شیعیان) چگونه باید با دیگران (اهل تسنن) معاشرت کنیم؟ تکلیف ما با آن‌ها چیست؟ امام فرمود: ببینید ائمه شما چگونه رفتار می‌کنند، مانند امامان خود رفتار کنید، به خدا قسم، امامان شما بیماران آن‌ها را عیادت می‌کنند، جنازه‌های آن‌ها را تشییع می‌کنند، برای آن‌ها شهادت می‌دهند. (همان: ۲۱۰)

از نظر استاد مطهری، میان مسلمانان اصول مشترکی وجود دارد که در آن‌ها هیچ اختلافی نیست:

- ۱- خدایی که همه پرستش می‌کنند، یکی است: لا اله الا الله.
 - ۲- همه به رسالت و خاتمیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله ایمان دارند و دین او را خاتم ادیان می‌شناسند.
 - ۳- همه قرآن را کتاب مقدس آسمانی و قانون اساسی خود می‌دانند و آن را تلاوت می‌کنند.
 - ۴- همه به سوی یک قبله نماز می‌خوانند و یک بانگ به نام اذان برمی‌آورند.
 - ۵- همه در یک ماه معین از سال که ماه رمضان است، روزه می‌گیرند.
 - ۶- همه روز فطر را عید خود می‌شمارند.
 - ۷- همه مراسم حج را مانند هم انجام می‌دهند و باهم در حرم خدا جمع می‌شوند.
 - ۸- همه خاندان نبوت (اهل بیت علیهم السلام) را دوست می‌دارند و به آن‌ها احترام می‌گذارند.
 - ۹- تاریخ مشترک و به هم آمیخته دارند، به عنوان مثال بخاری، ابوحنیفه، مورد احترام مذهبی مردم شمال آفریقا هستند.
 - ۱۰- یک فرهنگ هزارساله مشترک و روحیه مشترک و تربیت مشترک دارند. (احمد دار، ۱۳۸۷: ۶۷)
- منظور از «وحدت امت اسلامی»، وحدت مواضع اعتقادی و فقهی و عدم بیان آن‌ها نیست، بلکه مقصود این است که نخست فرقه‌های اسلامی به‌طور صحیح یکدیگر را بشناسند، از مواضع فکری و اعتقادی هم کاملاً مطلع شوند و برای حفظ و گسترش کیان اسلام از نزاعی که قرآن کریم آن را نهی کرده بپرهیزند و برای دفاع از ساحت قرآن و اصول ثابت و مشترک اسلامی، ید واحده باشند. (پیغان، ۱۳۸۸: ۲۱۰)

راهکارهای قرآنی ایجاد همگرایی قوم بلوچ: گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پس از پیروزی انقلاب و مخصوصاً در سالیان اخیر اقدامات مناسبی برای ایجاد همگرایی مذهبی در استان سیستان و بلوچستان انجام شده است که از آن جمله به راه‌اندازی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان (برگزاری)، راه‌اندازی دانشگاه مذاهب اسلامی زاهدان (برگزاری جلسات هم‌اندیشی، نشست‌های علمی، دوره‌های آموزشی، اردوهای مختلف و... در این دانشگاه با حضور دانشجویان سنی و شیعه)، برگزاری همایش‌های علمی - تحقیقی مذاهب اسلامی در زاهدان (بیست و ششمین همایش در اسفندماه سال ۱۳۹۴ برگزار شد)، شرکت علما و روحانیون سنی و شیعه استان در کنگره‌های ملی و بین‌المللی با موضوع مذاهب اسلامی (از جمله می‌توان به شرکت علمای اهل سنت استان در کنگره جهانی جری آن‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام در آذرماه سال ۹۳ اشاره کرد)، برگزاری گردهمایی جماعت تبلیغ با شرکت علمی شیعه و اهل سنت (بیست و دومین گردهمایی در شهریورماه سال ۹۳۶ برگزار شد) و ... اشاره نمود.

قوم بلوچ عمدتاً دارای مذهب سنی هستند، از طرفی حاکمیت بر مذهب شیعه به عنوان مذهب رسمی کشور تأکید دارد، از این رو یکی از راهکارهای دستیابی به شاخص‌های همگرایی، دستیابی به شاخص‌های مدنظر قرآن کریم در این زمینه است. قرآن کریم در واقع از اساسی‌ترین و مهم‌ترین عرصه‌های وفاق مذاهب اسلامی، قرآن کریم، معجزه خالد پیامبر اکرم، است. تمامی فرقه‌ها و نحله‌های فکری، با همه تفاوت‌ها و ضدیت‌های جزئی موجود میان آنان، باورها و اندیشه‌های اعتقادی خود را برآمده از قرآن می‌دانند و بر آن اصرار می‌ورزند و هرگونه ناهم‌سویی و ناهمگونی با آن را در نظام فکری خویش بر نمی‌تابند. همه مذاهب اسلامی، افکار و اندیشه‌های فکری و عقیدتی خود را برگرفته از گزاره‌های قرآن می‌دانند و بر آن مصرّ هستند. این خود یکی از محورهای مشترک مذاهب اسلامی است که قرآن را منشأ و خاستگاه اندیشه خود قرار می‌دهند. (اقبال، ۲۴ خردادماه ۱۳۸۹: <http://taqrib.com>) آنان معتقدند قرآن هر چیزی را که برای به کمال رسیدن ابدی و سعادت جاودانگی انسان لازم است، بیان کرده است و نیز قرآن، کلام الهی و از هرگونه تحریف مصون است، زیرا خداوند متعال خویش را حافظ و نگه‌دار آن می‌داند. (قرآن کریم، حجر: آیه ۹)

از این رو راهکارهای مدنظر قرآن کریم برای ایجاد وحدت در بین فرقه‌های اسلامی به‌ویژه شیعه و سنی، می‌تواند در ایجاد همگرایی قوم بلوچ که دارای مذهب عمدتاً سنی است با حاکمیت که دین رسمی آن شیعه است، راه گشا باشد، در زیر به تعدادی از راهکارهای قرآنی ایجاد همگرایی اشاره می‌شود:

- الف- اخوت بین شیعه و سنی؛ (قرآن کریم، حجرات: آیه ۱۰)
 ب- مودت و الفت بین شیعه و سنی؛ (قرآن کریم، روم: آیه ۲۱)
 ج- رحمت مسلمانان بر یکدیگر؛ (قرآن کریم، روم: آیه ۲۱)
 د- رأفت و عفو؛ (پیغان، ۱۳۸۸: ۲۱۸)
 ه- فضل؛ (قرآن کریم، بقره: آیه ۲۳۷)
 و- صفح و صلح؛ (قرآن کریم، نور: آیه ۲۲) ز- تعارف؛ (قرآن کریم، حجرات: آیه ۱۳)
 ح- پرهیز از ناسزا گفتن به مقدسات طرف مقابل؛ (قرآن کریم، انعام: آیه ۱۰۸)
 ط- پرهیز از کید دشمنان اسلام و ضرورت یک‌صدایی به هنگام شداید؛ (قرآن کریم، انفال: آیه ۴۶)
 ظ- گفت‌وگو در مسائل اختلافی؛ (رضوانی، ۱۳۸۷: ۱۱۰) د- ملاقات و گفت‌وگو؛ (رضوانی، ۱۳۸۷: ۱۱۵)
 ه- پرداختن به مسائل مهم و همکاری در مسائل مورد اتفاق؛ (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم زاهدان، ۱۳۸۱/۱۲/۲)

نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

کشور ایران از لحاظ ترکیب قومی، بسیار ناهمگون است و در آن قومیت‌ها و گروه‌های قومی - زبانی مختلف ساکن هستند. از این رو وجود هویت‌های قومی، باعث ایجاد افتراقات و اشتراکاتی بین هویت قومی و هویت ملی می‌شود. افتراقات می‌تواند باعث ایجاد چالش‌ها و حرکت‌های واگرایانه در سطح جامعه شود و از طرفی اشتراکات می‌تواند زمینه‌های همگرایی اقوام با حاکمیت را فراهم نماید. توجه به هویت‌های قومی و زمینه‌های واگرایی و همگرایی آن‌ها با حاکمیت زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که این اقوام در مناطق مرزی قرار گرفته و همانندهایی در آن سوی مرز داشته باشند.

استان سیستان و بلوچستان از جمله استان‌های مرزی در شرق کشور است به واسطه بافت خاص سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ژئوپلیتیکی که نشأت گرفته از وجود آسیب‌های محیطی و جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی دو سوی مرز توأم با حمایت و تحریک بیگانگان منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و همچنین عدم توجه حاکمیت به توسعه این استان؛ باعث شده که عملکرد گروه‌های قومی - مذهبی در این استان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نتیجه آن، ناامنی و نارضایتی در مردمان ساکن در این مناطق شده است. قوم بلوچ، از اقوام دیرینه ایرانی است که به گواه تاریخ همواره تحت حکومت دولت‌های مرکزی و حوزه سرزمینی ایران بوده است، از این رو زمینه‌های متعددی برای همگرایی این قوم با حاکمیت متصور است. مؤلفه‌های همچون دین، زبان، تداوم تاریخی، اسطوره‌ها، حماسه‌ها و نمادها، آداب و رسوم و سنن اجتماعی، ریشه تاریخی مشترک، جلب و مشارکت قوم بلوچ در مدیریت‌های محلی و ملی و توسعه متوازن اشاره نمود.

از طرفی با عنایت به مطالب فوق و با استفاده از مفروضات ادبیات تحقیق، اخذ اطلاعات از جامعه آماری و خبره با استفاده از پرسش‌نامه و روش آمیخته و آنچه در فصول پیش گفته اعلام شد، بر اساس پاسخ‌های دریافتی از پرسش‌شوندگان و اعمال محاسبات آماری که شرح آن گذشت، پاسخ به سؤالات تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

پاسخ سؤال اصلی تحقیق:

در پاسخ به سؤال و تأیید فرضیه‌ی اصلی تحقیق، با توجه به میانگین تک تک گویه‌های مهم‌ترین عوامل همگرایی قوم بلوچ در مؤلفه‌های؛ دین اسلام، به شرح زیر، مشخص شده است:

الف) مؤلفه دین اسلام:

اعتقاد به پیامبر و قبله مشترک با میانگین ۶,۲۵

گفتگو و تعامل در مسائل اختلافی بین شیعه و سنی با میانگین ۵,۹۲

بهره‌گیری از مواضع و موازین قرآن کریم با میانگین ۵,۸۱

تأکید بر اصول دین مشترک بین شیعه و سنی با میانگین ۵,۶۹

احترام به مقدسات طرفین (شیعه و سنی) و پرهیز از کلمات حساسیت‌زا و نفرت‌انگیز و پرهیز از مبالغه در اعتقادات

با میانگین ۴,۹۳

اعتقاد به قاعده نفی سبیل (نفی سلطه بیگانگان) با میانگین ۴,۸۱

پرهیز از مبالغه در اعتقادات شیعه و سنی با میانگین ۴,۷۹

یک‌صدایی و همگامی در مقابل دشمنان اسلام و نظام با میانگین ۴,۷۰

پیشنهاد‌های اجرایی تحقیق:

الف) حل کردن تعارض بین سیستانی و بلوچی از طریق تجدیدنظر در تقسیمات کشوری: یکی از دلایلی که تاکنون باعث جلوگیری از تجدیدنظر در تقسیمات کشور در استان سیستان و بلوچستان شده است، وجود دیدگاهی امنیتی است که اعتقاد دارد؛ در صورت تفکیک مناطق سیستانی نشین و بلوچ‌نشین، قوم بلوچ که دارای مذهب سنی هستند به سمت

دیدگاه‌های افراطی و مخالف نظام حرکت می‌نمایند. به نظر می‌رسد این دیدگاهی یک‌سویه به قوم بلوچ است و مبتنی بر بدترین فرض ممکن در قبال این قوم ایرانی است.

ب) جلب توجه بزرگان قومی و مذهبی قوم بلوچ به مسائل ملی، با مشارکت دادن آن‌ها در برنامه‌های توسعه‌ای، سیاسی و ... یکی از نگرانی‌ها در زمینه توسعه استان سیستان و بلوچستان، مسئله امنیت سرمایه‌گذاری است. اگر مسئولان، بزرگان قومی و مذهبی استان که اغلب دارای وضعیت‌های خوب اقتصادی هستند را در پروژه‌های خرد و کلان سطح استان شرکت دهند، بسیاری از این نگرانی‌ها برطرف خواهد شد.

پ) کاهش زمینه‌های حساسیت‌برانگیز در استان: به‌عنوان نمونه یکی از مسائلی که هم‌اکنون باعث ایجاد نارضایتی در قوم بلوچ شده است، نام‌گذاری شبکه استانی به نام «هامون» است. این در حالی است که نمادی مانند «کوه تفتان» در منطقه بلوچستان نادیده گرفته شده است. این امر باعث شده که توده افراد در قوم بلوچ با این دیدگاه به مسئله نام‌گذاری شبکه استانی توجه کنند که گویا نظام برای قوم سیستانی جایگاهی بالاتر از قوم بلوچ قائل است و نگاه به قوم بلوچ، نگاهی حاشیه‌ای و دسته دوم است. شبکه استانی همان‌گونه که از نام آن برمی‌آید، باید یادآور تمامیت یک استان باشد. نام این شبکه مانند بسیاری از استان‌ها می‌توانست هم نام خود استان یعنی «شبکه سیستان و بلوچستان» باشد و یا اینکه شبکه‌ای دیگر با نام «تفتان» برای منطقه بلوچستان ایجاد می‌شد.

منابع:

قرآن کریم

امام خامنه‌ای (مدظله) (۱۳۸۱)، "مجموعه بیانات" (در دیدار مردم زاهدان، ۱۳۸۱/۱۲/۲)، قابل دسترسی در:

WWW.Khamenei.ir

- آقا بخشی، علی؛ افشاری راد، مینو (۱۳۷۹) "فرهنگ علوم سیاسی"، تهران: نشر چاپار
- احمد دار، ریاض (بهار ۱۳۸۷) "مبادی و مبانی همگرایی مذهبی از منظر استاد شهید مطهری قدس سره"، مجله طلوع، باقری چوکامی، سیامک (۱۳۹۱) "قوم بلوچ"، تهران: انتشارت امیرکبیر
- بوزان، باری (۱۳۷۸) "مردم، دولت‌ها و هراس"، ترجمه و انتشار: پژوهشکده مطالعات راهبردی بلیس، جان (۱۳۸۳) "جهانی‌شدن سیاست؛ روابط بین‌الملل در عصر نوین" تهران، ابرار معاصر
- پیغان، نعمت‌الله (پاییز ۱۳۸۸) "امت واحده؛ از همگرایی تا واگرایی" مجله علوم سیاسی، شماره ۱۵
- پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۵) "تحلیل چالش‌های جامعه ایران از منظر جغرافیای سیاسی"، پژوهش‌های جغرافیایی حافظ نیا، محمدرضا و زرقانی، هادی و احمدی پور زهرا و افتخاری عبدالرضا (۱۳۸۵) "طراحی مدل سنجش قدرت ملی کشورها" - فصلنامه ژئوپلیتیک شماره دوم
- جهان تیغ پاک، محمدرضا (۱۳۹۴) "آمایش فرهنگی سیستان و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی منطقه"، تهران: دانشکده فارابی رضوانی، علی اصغر (بهار ۱۳۸۷) "همگرایی مذاهب اسلامی از دیدگاه قرآن و روایات" مجله طلوع، شماره ۲۵

روحانی، حبیب (۱۳۸۸) "چهره واقعی وهابیت"، تهران

درگاه ملی آمار (۱۳۹۸/۴/۱) "تقسیمات کشوری استان سیستان و بلوچستان"، قابل دسترس

در: <http://www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=1736>

سالنامه آماری استان سیستان و بلوچستان (۱۳۸۹) "سرزمین، آب و هوا (استان سیستان و بلوچستان)"، تهران: مرکز آمار ایران

ستوده، منوچهر؛ مؤمنی، خورشید (۱۳۸۵) "نظامنامه ایلات و عشایر و طوایف"، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی

صالحی، سیدرضا (۱۳۸۸)، "مدیریت منازعات قومی در ایران"، مجمع تشخیص مصلحت

فرید، فرشاد (۱۳۹۲) "نقش قومیت‌ها در هویت و همبستگی ملی (مطالعه موردی قوم بلوچ)" زاهدان: دانشگاه آزاد اسلامی

عمید، حسن (۱۳۷۵) "فرهنگ فارسی عمید" تهران، انتشارات آگاه

مرادیان، محسن (۱۳۹۴) "مبانی امنیت ملی" تهران، انتشارات دانشکده فارابی

کریمی پور، مهدی (۱۳۷۱) "تحلیل ژئوپلیتیکی نواحی بحرانی سیستان و بلوچستان"، دانشکده تربیت مدرس

کاویانی راد، مراد (۱۳۸۶)، "ناحیه‌گرایی سیاسی در ایران: مطالعه موردی بلوچستان"، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۵

مختار زاده، مهدی (۱۳۸۸) "ابعاد امنیتی قومیت در ایران"، نشریه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، شماره ۷

ملازهی، پیرمحمد (۱۳۸۰) "تحولات سیاسی - ایدئولوژیک در بلوچستان"، مجله مطالعات ملی، شماره ۸

مرادیان، محسن (۱۳۹۱) "مبانی نظری امنیت"، چاپ دوم، تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی

مطهری، مرتضی (۱۳۷۷) "یادداشت‌های استاد مطهری"، ج ۷، ۶، ۲، ۱، تهران: انتشارات صدرا

نامدار، مظفر (۱۳۹۷) "اعتبار سنجی نظریه استبداد شرقی در فهم تحولات اجتماعی" پژوهشکده علوم انسانی شماره ۱۲

Ur Rehman (May 2014), The Baluch insurgency: linking Iran to Pakistan, Norwegian:

Peacebuilding Centre.

<http://taqrib.com/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=261&newsview=33>

درگاه ملی آمار (۱۳۹۴/۴/۱)، «اطلاعات پایه‌ای استان سیستان و بلوچستان»، قابل دسترس در:

<http://www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=1706>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی